



دانشگاه آزاد اسلامي

واحد بجنورد

عنوان:

موسیقی و تصنیف در دوره قاجاریه و مکاتب موسیقی کلاسیک و ملی ایران

استاد:

دانشجو:

**فهرست مطالب**

|  |  |
| --- | --- |
| عنوان | صفحه |
| 1- مقدمه | 1 |
| 2- سرگذشت موسيقي ايران در اوايل دوره قاجاريه | 3 |
| الف : تاريخ ضبط صفحات در موسيقي | 3 |
| ب: تاريخچه تبديل و تنظيم موسيقي ايران از نظام ادواري به دستگاهي | 4 |
| 3- موسيقي در عصر فتحعلي شاه قاجار | 7 |
| الف: موسيقي درباري | 8 |
| 4- موسيقي در دوره محمد شاه قاجار | 13 |
| 5- موسيقي عصر ناصر الدين شاه | 16 |
| 6- موسيقي مذهبي دوره قاجار | 20 |
| الف: تعزيه  ب: روضه خواني  ج: نوحه خواني  د: اذان و مناجات | 20  24  25  26 |
| 7- نقاره خانه در عصر قاجار | 28 |
| الف: تشكيلات نقاره خانه ها | 29 |
| 8- تاسيس مدرسه موزيك نظام | 31 |
| الف: شاگردان شعبه موزيك دارالفنون | 33 |
| 9- تصنيف در دوره قاجار | 35 |
| الف: عارف قزويني  ب: محمد علي امير جاهد | 37  38 |
| 10- تصنيف سازان دوره قاجار  الف: علي اكبر شيدا | 38  39 |
| 11- موسيقي نوين ايران | 40 |
| 12- مكتب موسيقي ملي ايران | 42 |
| 13- مكتب موسيقي كلاسيك ايران | 44 |
| 14- خلاصه موسيقي ملي ايران در عصر قاجاريه | 46 |
| **مقدمه**  بشر با درك زيبايي از طبيعت الهام گرفت و با تقليد اشكال و آهنگهاي طبيعي و انعكاس اين آثار، هنر را كه يكي از عوامل مهم ابزار احساسات و بيان زيبائي است به وجود آورد و آن را به صورتهاي گوناگون منعكس شود. غم و شادي و عواطف و احساسات انساني مفاهيم واحدي است، اختلاف در طرز بيان و توصيف آن است.  افلاطون در تعريف موسيقي گويد: «موسيقي يك ناموسي اخلاقي است كه روح به جهانيان و بال به تفكر، و جهش به تصور، و ربايش به غم و شادي، و حيات به همه چيز مي بخشيد. جوهر نظمي است كه فرد بر قرار مي كند و تعالي آن به به سوي هر چيزي است كه نيك و درست و زيباست و با اينكه نامريي است مشكلي است جزء كننده و هوس انگيز و جاويدان.»  آنچه مسلم است موسيقي ما تا اواسط قرن نهم هجري جنبه علمي داشته است، چنانكه كتابهايي تا آن زمان در دست ما مي باشد مانند نوشته هاي فارابي – ابن سينا – صفي الدين موسي- قطب الدين شيرازي و عبدالقادر مراغه اي. ولي از آن به بعد نه تنها كتابي در موسيقي نظري نوشته نشده از لحاظ علمي هم بواسطه مساعد نبودن اوضاع اجتماعي و موانع مذهبي، تشويقي از اصل اين هنر به عمل نيامده و به تدريج هنرمندان واقعي دلسرد و افسرده شده و كمتر كسي به فرا گرفتن اين فن رغبت يافته است.  در دوره قاجاريه موسيقي ايران تحولي يافت كه حائز اهميت مي باشد. باباخان كه دوران ولايتعهدي خود را در شيراز مي گذراند پس از آقا محمدخان به تهران آمد و در 1212 هجري قمري به نام فتحعلي شاه به تخت سلطنت نشست و دربار سلسله هاي پيشين ، صوفيه و افشاريه و زنديه را بر پا كرد و جمعي از موسيقيدانان دوره زنديه از خواننده و نوازنده و استادان بنام آن عهد به دربار او منتقل شدند. موسيقي ملي ايران بوسيله همين استادان خوانندگان و نوازندگان به دربار فتحعلي شاه انتقال يافت و رواج پيدا كرد. همچنانكه شاعران دوره زنديه پس از انتقال به دربار قاجار شيوه شعري خود را رواج دادند و پيشقدم شاعران دوره قاجار به شمار مي روند. موسيقيدانان عهد زنديه هم آنچه را در عمل و نظر در خوانندگان و نوازندگان به كار مي بردند و به دربار قاجار انتقال دادند و پيشقدم استادان به نام موسيقي در دوره محمد شاه به حساب مي آيند.  راحت طلبي و عيشي دوستي و علاقه به تشريفات و تجمل و امور تفنني و ذوقي و تفريحي در دوره نخستين پادشاهان قاجار بويژه فتحعلي شاه و ناصرالدين شاه و توجه آنان به رشته هاي هنري سبب رواج و رونق شعر – نقاشي، خوشنويسي و موسيقي گرديد و با عنايتي كه دربار سلطنتي به اين قبيل هنرها داشت در هر رشته نمايندگان بنامي پيدا كرد.  موسيقي ملي در ايران كه با همان اساس قديم به صورت هفت دستگاه و رديف در زمان سلطنت فتحعلي شاه و محمدشاه شكل گرفته بود. در زمان اين پادشاهان نمايندگان معتبري داشت و به وسيله همين نمايندگان به عصر ناصري انتقال يافت و در دوره طولاني سلطنت اين پادشاه و عنايت او به اين هنر استادان بنامي ظهور كردند و با تعليم و تعلم و توسعه و رواج آن دست گماشتند و آنچه از پيشينيان به آنان رسيده بود براي آيندگان باقي گذاشتند و گذشته موسيقي ملي كنوني ما همان است كه از اين استادان و مربيان روايت و تعليم شده و به عصر ما رسيده است.  هو  آه اي موسيقي عرشي سرود از كجاي عرش مي آيي فرود  چون فرو مي آيي از آفاق عرش مي بري بالا مرا تا ساق عرش  با كمند نور ماه آسمان از مكانم مي بري تا لا مكان  با پرو بال تو اي رشك ملك عرصه گامي است تا بام فلك.  **سرگذشت موسيقي ايران در اوايل دوره قاجاريه**  در مقدمه تحقيق نحوة رشد ورود آلات موسيقي به ايران دورة قاجاريه را عنوان كرديم كه با روي كار آمدن پادشاهان متفاوت تحولات زيادي بوجود آمده است. اما قبل از ورود به تحولات اساسي موسيقي در زمان پادشاهان قاجاري و موسيقي هاي رايج در اين دوره دو مورد را مورد بررسي قرار خواهيم داد.  **الف: تاريخ ضبط صفحات موسيقي:**  ضبط صفحات گرامافون در ذي القعده 1323 ه.ق با فرمان مظفر الدين شاه در ايران آغاز گرديد:  «چون انجمن ضبط صوت در آمريكا گرامافونهاي بسيار ممتاز خودشان را با ماشين هاي پسنديده از نظر انورشاهانه گذرانده و مراتب مراقبات خود را در تكميل و ترويج اين قسمت مشهود حضور همايون داشته بودند مهذا براي تسهيل فروش و حمايت محضر ملوكانه از اين سوستيه به موجب صدور اين فرمان مباركه سوستيه آنونيم[[1]](#footnote-1) مزبور را بدست فورنيري[[2]](#footnote-2) مخصوص خودمان مباهي سربلند فرموديم كه از شمول اين مرحمت ملوكانه بيني الاشل والا قرآن سربلند بود و در ترقي و تكميل اين صنعت مراقبات كافيه به عمل آورده مقرر آنكه اولياي دولت عليه در پيشرفت مقاصد حقه و ترقي و توسعه اين كارخانه لازمه مساعدت و همراهي را به عمل آورده و در عهد شناسنه. في القعده الحرام 221323[[3]](#footnote-3) رواج پيش درآمد يكي از مختصات موسيقي اواخر عصر قاجار است كه توسط غلامحسين درويش ابداع گرديد.  با اشاره به تاريخ ضبط صفحات موسيقي در دوره قاجار سعي مي كنيم به طور اختصار چگونگي تبديل و تنظيم موسيقي ايران از نظام ادواري به دستگاي را اشاره نمائيم كه شايد يكي از تحولات اساسي موسيقي ايران در دوره قاجاريه مي باشد.  **ب): تاريخچه تبديل و تنظيم موسيقي ايران از نظام ادواري به دستگاهي**  آنچه مسلم است موسيقي ما تا اواسط قرن نهم هجري جنبة علمي داشته است، چنانكه كتابهائي تا آن زمان در دست ما مي باشد مانند نوشته هاي فارابي- ابن سينا- صفي الدين اموري قطب الديني شيرازي و عبدالقادر مراغه اي[[4]](#footnote-4) ولي از آن به بعد نه تنها كتابي در موسيقي نظري نوشته نشده، از لحاظ عملي هم بواسطه مساعد نبودن اوضاع اجتماعي موانع قديمي، تشويقي از اصل اين هنر بعمل نيامده و بتدريج هنرمندان واقعي و سرد وافرده شده و كمتر كسي بفرا گرفتني اين فني رغبت يافته است.  در نتيجه موسيقي ايران بدست مردم بي سواد افتاده كه از آن استفاده مطربي كرده اند. هرچند گاه گاهي كساني پديد آمده اند كه علاقه اي به اين هنر داشته اند كه دور صفويه به دليل استقلال و تحكيم اوضاع از ادوار مهم توجه به هنر موسيقي مذهبي نيز مي باشد[[5]](#footnote-5) اما زمان تاريخ و تبديل موسيقي ايران از نظام ادواري (دوازده مقام) و تنظيم و تكميل آن به هفت دستگاه و در رديفها رسميت يافتن و متداول شدن آن كه در زمان قاجار بكار مي رفته است شخصي نيست و اينكه توسط چه افرادي رخ داده است معلوم نيست. در اينجا حلقه كاملاً گمشده اي وجود دارد آنچه مسلم است اين تغيير و تحول كه نقطه عطفي در موسيقي ايران به شمار مي رود يك مرتبه صورت نگرفته، بلكه حاصل تحول و تكامل تدريجي و تاريخي است؟[[6]](#footnote-6)  بر اساس اظهارات نظريه پردازان اساس دنياي موسيقي ايران از قرن چهارم تا دوازدهم بر پايه دوازده مقام (عشاق، نوا، بوسليك، راست، عراق، اصفهان، زيرافكند، بزرگ، زنگوله، رهاوي، حسيني ، حجازي) استوار بوده است و اسامي آنها در كتاب الادوار صفي الدين اموري و جامع الالحاني عبدالقادر مراغه اي ذكر شده است از زنان صفي الدين به بعد شش آواز الحاقي (گوشت، گردانيه، مسلمك، نوروز، مايه و شهناز) توسط صفي الدين به دوازده مقام (مقامات) افزوده گشت و مبناي موسيقي ايراني دوازده مقام و شش آواز الحاني قرار گرفت. توضيح اينكه الادوار (دورة) به نظام موسيقي دورة اسلامي اطلاق مي شود. كه در دوره قاجاريه آواز موسيقي سنتي ايران در دوازده جموعه تقسيم بندي مي شد. لبه ها از اين دوازده مجموعه هفت مجموعه كه از وسعت و استقلال بيشتري برخوردار بودند را دستگاه ناميدند و پنج مجموعه ديگر كه مستقل نبودند و از اين هفت دستگاه منشعب مي شوند را آواز ناميدند. |  |

1. - سوستيه آنونيم [↑](#footnote-ref-1)
2. - فورنيسري Fournissoury (فروشنده انحصار 7) [↑](#footnote-ref-2)
3. -روح انگيز را همگاني، تاريخ موسيقي ايران، تهران، انتشارات پيشرو، 21377 ص 351 [↑](#footnote-ref-3)
4. -روح الله خالقي، سرگذشت موسيقي ايران، جلد اول ،تهران، انتشارات صفي علينا، 21378 ص14 [↑](#footnote-ref-4)
5. - همان كتاب، ص 15. [↑](#footnote-ref-5)
6. - را همگاني، تاريخ موسيقي ايران ص 352. [↑](#footnote-ref-6)